

الباب الثامن من الواحد التاسع في حرمة الترياق و المسكرات و الدواء مطلقا.

حضرت باب

اصلي فارسي



الباب الثامن من الواحد التاسع في حرمة الترياق و المسكرات و الدواء مطلقا.

ملخص این باب آنکه کل شئون دون حب از دون حق بوده و هست و کل شئون حب از حق بوده و هست و نهی شده از مسكرات و آنچه حكم دواء بر او شود مطلقا تا آنکه مطهر كنی خود را از هر شیئی كه لدون الله بر او ذكر شود و بدل نمائی درمواقع ضرورت بلاء لطیفه و نعماء طیبه كه شئون شجره محبت بوده و هست

و حكم آن در كلی مثل جزئی است مثل آنکه احتراز از یک نفس دون مؤمن مثل كلی او است ولی خداوند عالم عز و جل در هر حال بشأنی تجلی فرموده كه كل وجود او را ساجدند و كل بحب او راغب و بطاعت او صاعد و هیچ ذره نه مگر آنکه بكنه كینونیت عابد است او را و ناطق است بلسان خود ولی در این ظهور هر شیئی كه از شئون شجره محبت نیست محبوب نبوده و نیست و هر شیئی كه بوده محبوب بوده و هست

و در ظهور بعضی صنایع كه لازم دارند اهل آن بعضی از این اشیاء را اذن داده شده و این همان قدری است كه در نزد هر ظهوری اذن داده شده اهل آنرا كه با دون مظاهر حق مدارا نموده لعل ثمری از وجود ایشان اخذ شود بایمان بحق زیرا كه امکان در هر نفسی هست اگر خود بنفسها محتجب نشود

و لتستعینن عما لا یحبه الله بالله ربکم الرحمن ان انتم تحبون ان تفلحون.



ORIGINAL



AUDIO